

حسن قشقاوی در ادامه دیپلماسی «مانمی توانیم» وزارت خارجه:

نمی توانیم علیه عربستان اقامه دعوا کنیم!

صفحه ۲

شنبه ۲۰ شهریور ۱۳۹۵ | ۸ ذی الحجه ۱۴۲۷ | ۱۰ سپتامبر ۲۰۱۶ | سال هشتم | شماره ۱۹۷۷ | ۱۶ صفحه | ۱۰۰۰ تومان

روزنامه صبح ایران

VATANEMROOZ.IR



با حمله دقیق جنگنده‌ها به محل جلسه سری تور بیست‌هادر حومه حلب

فرمانده کل جیش الفتح به هلاکت رسید

صفحه ۱۵

VATAN-E-EMROOZ | Vol.08 | No.1977 | Sat.Sep.10, 2016 | ISSN:2008-2886

۱۱۷۷ سال و ۲۶۵ روز گذشت

تیترو

ناگفته‌هایی از فاجعه منا، رفتارها و عملکرد آل سعود در گفت‌وگو مشروح «وطن امروز» با سعید اوحدی، رئیس سازمان حج و زیارت

هشدار تاریخی

- زمانی که رئیس هیات مذاکره کننده سعودی از پیام رهبری مطلع شد رفتارش تغییر کرد
- نهبی رهبری باعث شد بتوانیم بیکر شهدارا به کشور بازگردانیم
- مسئولیت مستقیم پیگیری حقوقی فاجعه منا با وزارت امور خارجه است
- در خواست اول خانواده شهدای منا محکومیت و محاکمه مسببان این فاجعه در عربستان است
- تعداد زیادی از شهدا قابل درمان و احیا بودند
- تا زمانی که مأموران خاطی فرودگاه جده محاکمه نشوند عمر تعلیق است
- پرورش جدی وجود دارد که چرا عربستان پس از یک سال ونیم همچنان در مجازات مأموران متجاوز تعلل دارد؟



صفحه ۴

واکنش محمدی گلپایگانی، رئیس دفتر مقام معظم رهبری

به توهین سرمفتی وهابی علیه مردم ایران:

بین ایران و سعودی دریای خون است

آل سعود فرزندان لات و عزی هستند

صفحه ۲

عکس: آرش میرسیاسی، پینک، غیرنگار

این مردم در خرابات شام برای حفظ امنیت ایران عزیز و الوده نشدن خاک پاک وطن به پای حرامیان نمی‌جنگند که از سووی بانک بدتر از تانک به سینه ایشان شلیک کند و از سووی هم نواب رئیس مجلس شورای اسلامی یعنی آقایان فلائی و بهمانی که حتی پرهیز دارم از بردن نامشان، آبرو و حیثیت و مصونیت و جایگاه حقوقی و چه و چه دارند لیکن اهانت به سرپازان سردار سلیمانی آزاد؟! آیا این است حق سینه‌سپر کرده‌ها جلوی توپ و تانک دشمن؟! که هم از ناحیه دوست «دشنام» بشوند و هم از همین ناحیه غیرمقدمه، «تحریم» شوند؟! و بدآ به حال راقم این سطور که هنوز هم به این جماعت می‌گوید «دوست» کدام دوست؟! ما می‌ایستادیم که اینها بگویم «دوست» لیکن در عوض و شاید هم من باب اعتدال خود این دوستان نازنین، اصرار دارند که ثابت کنند «... هستند» نه «جاهل»! و مگر دوباره قوای نظامی مملکت تا تخریب نکردند؟! بگذارد بدون تعارف بنویسم که بخشی از مشکل اتفاقا به خودمان بازمی‌گردد! آنجا که بی‌جهت «دوست» تصور می‌کنیم این دشمن‌دوستان را! «دوست» یعنی حاج‌قاسم سلیمانی که دشمن را در همان لانه عظیم و مشترک جمعی مسلمانان را به حال خود رها کرده‌اند. اگر دولت‌های کشورهای اسلامی نگاه حداقلی و سکولار را به مناسک حج کنار بگذارند و نگاه به آن را از یک رویداد صرفا بزرگ به مبتلای برای همکاری و اتحاد و همدلی مسلمانان تغییر دهند، آنگاه نوع مدیریتی سوای آنچه اکنون وجود دارد نیاز خواهد شد و باعث ایجاد یک تلاش جمعی برای اداره حج می‌شود. تلاشی که این منبع مشروعیت را از دستان نالایق آل سعود خارج و آن را به جایگاه اصلی مدنظر صاحب شریعت نزدیک‌تری کند.

ادامه در صفحه ۵

انا لله و انا الیه راجعون!

حسین قدیانی



خدا برگردیم، با وجود چنین نواب رئیسی، آن هم در مجلس شورای اسلامی! از انقلاب اسلامی قریب ۴۰ سال گذشته، طرف هنوز رئیس مجلس شورای اسلامی! حالا حق ندارم بگویم که نکنند فلان؟! من از سروران معزز شورای محترم نگهبان عذر می‌خواهم لیکن یک سوال! می‌توانم بپرسم: صلاحیت این فرد و امثالهم را دقیقاً براساس کدام مصلحت تأیید کردید؟! اگر مصلحت، حفظ عناصر بود؛ این هم نتیجه‌اش! حمله به سپاه و حمایت از منافقین! آن هم در صندلی چپ و راست رئیس مجلس شورای اسلامی! حالا حق ندارم بگویم «ایران بهشت ایوبیسیون است»؟! این همصدایی می‌کند با داعش در تخریب سپاه! آن همصدایی می‌کند با آل‌سعود در همراهی با منافقین! انا لله و انا الیه راجعون! و اما بسم الله الرحمن الرحیم! چند صباح دیگر باز هم در این کشور انتخابات است! شورای نگهبان باید عمل کند به مر قانون! والله به شورای نگهبان ربط ندارد که کی قبلاً رئیس بوده، کی حالا رئیس است! والله به شورای نگهبان ربط ندارد که نام خانوادگی طرف چیست! والله به شورای نگهبان ربط ندارد که حتی یک نفر هم پای صندوق آرا حاضر نشود یا بالعکس! همه واجدان شرایط در انتخابات شرکت کنند! والله مدین در نتور انتخابات، به شورای نگهبان ربط ندارد! والله سرد پا گرم بر گزار شدن انتخابات به شورای نگهبان ربط ندارد! والله اینکه جناح الفئه تعداد نامزد کمتری از جناح ب دارد، ربطی به شورای نگهبان ندارد! والله حتی این تحلیل هم به شورای نگهبان ربط ندارد که اگر فلائی رد صلاحیت شود، چه خواهد شد و اگر بهمانی رد صلاحیت شود، چه نخواهد شد! حتی‌تر، این متن هم ربطی به شورای نگهبان ندارد! چه می‌نویسم که ما از شورای نگهبان، عمل به مندرجات خودمان را نمی‌خواهیم، بلکه عمل به «مر قانون» را می‌خواهیم! از قضا، مصلحت هم یعنی عمل به مر قانون! طرفه حکایت اینجاست که شورای محترم و مظلوم نگهبان هر وقت ملاحظه اینها را کرد، جماعت به جای خضوع بیشتر، وقاحت بیشترشان را به رخ کشیدند! نمی‌بینید؟! نمی‌خوانید؟! نمی‌شنوید؟! تا اینجا که گذشت لیکن از اینجا به بعد، فرض است بر شورای نگهبان که ضمن عمل انقلابی‌تر به مر قانون، اجازه ندهد آنچه حتی در مجلس دانش‌آموزی هم مضحک و خنده‌دار جلوه می‌کند، در مجلس شورای اسلامی به کرات مشاهده شود! ۱۰۰ سال سیاه‌نخواستیم نماینده هم‌سخن و هم‌جهت با اجنبی وارد مجلس شود! آن هم در جایگاه هیات رئیسه! جگر گوشه‌های

حقا که انا لله و انا الیه راجعون! خداي اسلام! به داد اسلام برس، خدای انقلاب! به داد انقلاب برس. رئیس یک جای مهم کشور، عوض آنکه دست دوستی به جگر سوخته‌های فاجعه منا دهد، عدل در نخستین سالگرد این واقعه دلخراش و بی‌نمونه، مهر و محبت خود را نثار شجره خبیثه و ملعونه سعودی می‌کند! رئیس یک جای مهم دیگر کشور به جای عذرخواهی از کوتاهی قوه اجرا و ویژه وزارت امور خارجه، در بدترین مغالطه ممکن، ادعا می‌کند ما داشتیم ام‌لی کردیم لیکن چون بل کردند، فشارهای مان نتیجه نداد! و هیچ نمی‌گوید سخن از کدام فشار به آل‌سعود ملعون می‌گوید! و هیچ نمی‌گوید که اگر حکایت حقوق‌های نجومی، قرار بر «برخورد ریشه‌ای با مسائل» است، چرا به کار جوانانی که بل کردند «نگاه ریشه‌ای» نمی‌شود؟! آری! آن کار صورت نمی‌گرفت، اگر بعد از ماجرای تعرض، واکنش صریح و صحیح انقلابی نشان می‌داد دولت! اگر بعد از ماجرای مسجدالحرام، واکنش صریح و صحیح انقلابی نشان می‌داد دولت! و اگر بعد از پشت ساختن از کشته حاجی ایرانی، واکنش صریح و صحیح انقلابی نشان می‌داد دولت! عجبا از این اعتدال! آنجا که به برخورد با بستگان نجومی و وابستگان حقوقی می‌رسد، مواجهه، نه قضایی و بر مبنای عدل و داد، که باید «ریشه‌ای و فرهنگی» باشد اما آنجا که پای چند جوان عاصی از قصور و تقصیر حضرات در میان است، کم مانده مدعی شوند که ما داشتیم رکود و بی‌کاری را هم حل می‌کردیم اما اصابت ۲ تا تخم‌مرغ به دیوار سفارت سعودی مانع شد! اگر این همه یعنی «مرگ تدبیر» باید هم یادداشت‌هم را اینگونه شروع کنیم! انا لله و انا الیه راجعون! مردمان ساکن در منطقه کابینه، خود بارها اعتراف کرده‌اند که فلان توافق «تقریباً هیچ» سودی برای ملت ایران نداشته و بنا به هر دلیل، نتوانسته در تنها هدفش یعنی لغو همه تحریم‌ها در همان روز اجرا موفق باشد، آنوقت رئیس همان مردمان، مدعی می‌شود ما اگر جز برجام کاری نکرده بودیم، کافی بود برای کارنامه‌مان! و پس بود برای مردم! الا ای روح خدا، خمینی بت‌شکن! ای بنیانگذار جمهوری اسلامی و ای علمدار اسلام انقلابی! شاید تقصیر تو بود که در تمام ۲۲ سال «صیغه نور» یک جمله هم مشاهده نمی‌شود که تو برای کاری، منت سر ملت گذاشته باشی! و نه تنها هرگز اینگونه با ما مردم سخن نگفتی، بلکه در اوج تواضع، خدمت و مردم‌داری، وصیت کردی از قصور و تقصیر خادم خود بگذریم! آنجا که قطره اشک را، هم بر صورت خلف شایسته خود جاری ساختی، هم بر گونه ما! تو که بودی! این جماعت کیستند؟! آنوقت اسلام انقلابی تو «رحمانی» نبود اما اسلام پول، اسلام آل‌سعود، اسلام داعشی و در یک کلام

نگاه امروز

محمدجواد ظریف بر خلاف سابقه طولانی‌اش در عرصه دیپلماسی که لازمه آن غامض و پیچیده سخن گفتن است هر از گاهی خیلی ساده و رک حرف‌هایی اساسی و از ته دل می‌زند؛ آنجا که سسر دل انتخاباتی‌اش با دیپلمات‌های غربی و ضد انقلاب حرف‌های باز می‌شود و می‌گوید اگر مذاکرات هسته‌ای و رابطه برجام و تحریم‌هایی که قرار بود بلمره پس از برجام برداشته شوند می‌گوید هدف عمده از مذاکرات برداشتن تحریم‌ها نبود و تمام رفت و آمدهای دیپلماتیک مبتنی بر تقویت امید بوده است و انگار نه انگار که رئیس‌جمهور محترم پیش و پس از هر دور مذاکرات در ژنو و لوزان و وین و در وسط ساختمان پاستور تریبون علم می‌کرد و در ارتباط زنده تلویزیونی با ما شور و حرارت به مردم می‌گفت «همه تحریم‌ها بعد از برجام لغو خواهد شد»! این سخن محمدجواد ظریف در بحبوحه تلاش دولت برای از سرگیری کنسرت درمانی و ایجاد دیگر دوقطبی‌های کوه‌همیت ولی پرسیامد سیاسی - اجتماعی دولت‌ساخته حرف بسیار مهمی است.

حرف ظریف از این باب مهم است که نمادی از تلاشی نو برای تصویرسازی از کارکردهای نداشته برجام است، دولت‌مداران اعتدالی هم‌زمان با تهنشین شدن جمع‌بندی ناآرایی اقتصادی برجام در بخش‌های قابل توجهی از افکار عمومی سعی می‌کنند فراقوتی جدید از برجام بسازند، دولتی یازدهم امروز پس از پیاده کردن روزآمد تئوری حواله ناکارآمدی‌ها به دوره قبل تا پای جان، راه حواله کردن کارکردهای برجام به غیب و غافل را در پیش گرفته است. فرمول ساده است؛ دیگر از دولت نپرسید که برجام برای ما چه آورده است، برجام از اول هم قرار نبود سنگی از سر راه برآورد و عایدی چشمگیری داشته باشد یعنی اصلاً قرار دولت با مردم این نبود، اساساً کی بود؟ کی بود؟ ما مهم نبود!

ما دوست داریم از ما سوال کنید «اگر برجام نبود چه می‌شد»؟ که حالا بتوانیم برای آن قسه

روزنه

داداش داری اشتباه می‌ری

محمد زغمی‌زاده

محمدجواد ظریف بر خلاف سابقه طولانی‌اش در عرصه دیپلماسی که لازمه آن غامض و پیچیده سخن گفتن است هر از گاهی خیلی ساده و رک حرف‌هایی اساسی و از ته دل می‌زند؛ آنجا که سسر دل انتخاباتی‌اش با دیپلمات‌های غربی و ضد انقلاب حرف‌های باز می‌شود و می‌گوید اگر مذاکرات هسته‌ای و رابطه برجام و تحریم‌هایی که قرار بود بلمره پس از برجام برداشته شوند می‌گوید هدف عمده از مذاکرات برداشتن تحریم‌ها نبود و تمام رفت و آمدهای دیپلماتیک مبتنی بر تقویت امید بوده است و انگار نه انگار که رئیس‌جمهور محترم پیش و پس از هر دور مذاکرات در ژنو و لوزان و وین و در وسط ساختمان پاستور تریبون علم می‌کرد و در ارتباط زنده تلویزیونی با ما شور و حرارت به مردم می‌گفت «همه تحریم‌ها بعد از برجام لغو خواهد شد»! این سخن محمدجواد ظریف در بحبوحه تلاش دولت برای از سرگیری کنسرت درمانی و ایجاد دیگر دوقطبی‌های کوه‌همیت ولی پرسیامد سیاسی - اجتماعی دولت‌ساخته حرف بسیار مهمی است.

ادامه در صفحه ۵

ادامه در صفحه ۵